



ولید بن عبدالملک

بر اساس گزارشات تاریخی می‌توان حدس زد که ولید بن عبدالملک بن مروان به سال ۵۰ قمری و بنا به نقلی سال ۴۷ قمری در زمان **حکومت معاویه** در **مدینه** متولد شد.

[۱] این **کثیر**، اسماعیل بن عمر، **البدایة و النهایة**، ج ۹، ص ۱۶۱، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷/۱۹۸۶.

کنیه‌اش ابوالعباس و مادرش ولاده دختر **عیس بن جزء بن حارث عیسی** بود.

[۲] **مسعودی**، **ابوالحسن علی بن حسین**، **التنبیه و الاشراف**، ص ۲۷۴، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، القاهرة، دار الصاوی، بی‌تا (انست قلم‌مؤسسه نشر المنابع الثقافة الإسلامية).

او **لهجه** مغلوط داشت (به **عربی** خوب سخن نمی‌گفت) و هنگام **غضب** بی‌خود می‌شد و از نتیجه کار غافل می‌ماند.

[۳] **مسعودی**، **ابوالحسن علی بن حسین بن علی**، **مروج الذهب و معادن الجواهر**، ج ۳، ص ۱۵۸، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹.

[۴] **مسعودی**، **ابوالحسن علی بن حسین**، **التنبیه و الاشراف**، ص ۲۷۴، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، القاهرة، دار الصاوی، بی‌تا (انست قلم‌مؤسسه نشر المنابع الثقافة الإسلامية).

و در خونریزی بی‌بک بود و او جباری لجوج و ستمگری نابکار بود.

[۵] **مسعودی**، **ابوالحسن علی بن حسین بن علی**، **مروج الذهب و معادن الجواهر**، ج ۳، ص ۱۵۸، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹.

او به کم‌خردی و نادانی معروف بود و می‌گفت: شایسته نیست خلیفه را **قسم** دهند، و نباید او را به **دروغ‌گویی** نسبت دهند، و نباید کسی او را به نامش بخواند، و بر آن عقوبت کرد.

[۶] **یعقوبی**، **احمد بن ابی‌یعقوب**، **تاریخ یعقوبی**، ج ۲، ص ۲۹۱، بیروت، دار صادر، بی‌تا.

چهارده پسر از او ماند. یکی **یزید بن ولید نافص** که مدت پنج ماه **حکومت** کرد و درگذشت، دیگری **ابراهیم بن ولید** که دو ماه حکومت کرد و بعد خود را از **خلافت خلع** کرد و با **مروان**

بن ولید بیعت کرد.

[۷] **بلاذری**، **احمد بن یحیی**، **کتاب جمل من انساب الاشراف**، ج ۸، ص ۶۶، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ط الاولی، ۱۴۱۷/۱۹۹.

فهرست مندرجات

۱ - ولید پیش از خلافت

۲ - دوران خلافت ولید

۳ - مدینه و عمارت مسجد پیامبر

۴ - مسجد دمشق

۵ - فتح اندلس

۶ - فتوحات در شرق

۷ - مرگ حجاج

۸ - اقدامات ولید

۹ - مرگ ولید

۱۰ - پانویس

۱۱ - منبع

ولید پیش از خلافت

درباره زندگی ولید بن عبدالملک در قبل از خلافتش اطلاعات زیادی در دست نیست فقط درباره شرکت ولید در چند **جنگ** در دوران **خلافت** پدرش عبدالملک اخباری رسیده از جمله: در سال ۷۷ قمری ولید بن عبدالملک در نبرد با قوای **روم** شرکت کرد و از رومیان تعداد زیادی را کشت و بازگشت.

[۱] **ابن خلدون**، **عبد الرحمن بن محمد**، **تاریخ ابن خلدون**، ج ۳، ص ۹۰، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر، ط الثانية، ۱۴۰۸/۱۹۸۸.

در جریان **خیانت عبدالملک** به **عمر و بن سعید**، یکی از فرماندهان و منتقدین اموی، و ترور او، ولید از کسانی بود که برای کشتن او تلاش زیادی کرد و در جریان این **توطئه** زخمی شد.

[۲] این **کثیر**، اسماعیل بن عمر، **البدایة و النهایة**، ج ۸، ص ۳۱۰، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷/۱۹۸۶.

دوران خلافت ولید

وقتی عبدالملک، مشرف به **مرگ** شد، ولید و سلیمان را فراخواند و به ولید گفت: فرزندم بشنو، موقع **مرگ** من فرا رسیده است، خدعه‌ها و نیرنگ‌ها، رنگ خود را از دست داده‌اند، و قضای الهی فرود آمده است. در این هنگام ولید گریه کرد، عبدالملک به او گفت: دو چشم خود را همچون کنیز فرزند مرده بر من تر مگردان.

[۱۰۱] **دینوری**، ابوحنیفه احمد بن دود، الاخبار الطوال، ص ۳۲۵-۳۲۶، تحقیق عبدالمنعم عمر مرآة جمال الدین شیبلی، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ش.

پس از مرگ، مرا بشوید، کفنم کنید و بر من نماز بخوانید. **عمر بن عبدالعزیز** را فراخوانید تا مرا در گور گذارد. تو به سوی مردم برو در حالی که پوست پلنگ بر تن کرده‌ای، بر منبر بنشین و مردم را به بیعت خود فراخوان. هر کس از بیعت با تو خودداری کرد، او را با **شمشیر** بترسان،

[۱۰۲] **یعقوبی**، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۸۱، بیروت، دار صادر، بی تا.

در مورد دوست و کسی که نزدیک توست سختگیر باش و در مورد کسی که از تو دور است، آسان بگیر. در مورد **حجاج** خوشگمان باش، او کسی است که می‌تواند فتنه‌ها را کنار زند و شرایط را برای خلافت تو آماده سازد.

[۱۰۳] **ابن قتیبه دینوری**، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة المعروف بتاریخ الخلفاء، ج ۲، ص ۶۸، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ط الاولی، ۱۴۱۰.

ولید پس از مرگ عبدالملک و دفن پدر در همان روز به مسجد بزرگ دمشق رفت و مردم پیش او آمدند و با او بیعت کردند.

[۱۰۴] **یعقوبی**، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۸۴، بیروت، دار صادر، بی تا.

ولید بالای منبر رفت و مرگ پدرش را اعلام کرد و گفت: ای مردم بر شما باد به فرمان بردن و همراهی با **جماعت**. اگر کسی مخالفت کند سر از تن او جدا می‌کنم و هر کس خاموش بماند، با اجل خویش بمیرد. سپس از منبر پایین آمد.

[۱۰۵] **طبری**، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك، ج ۶، ص ۴۲۳، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ق ۱۳۸۷.

اولین اقدام او آن بود که هر خانه‌ای را که بین قصر عبدالملک تا قبر او بود، ویران ساخت. چنان‌که هیچ‌گونه بلندی بر پای نماند. پس از آن نامه‌هایی را به گوشه و کنار سرزمین‌ها فرستاد و از آنان برای خود درخواست بیعت کرد.

[۱۰۶] **ابن قتیبه دینوری**، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة المعروف بتاریخ الخلفاء، ج ۲، ص ۶۸-۶۹، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ط الاولی، ۱۴۱۰.

مدینه و عمارت مسجد پیامبر

ولید در سال چهارم حکومت خود، به سال ۸۷ قمری، **هشام بن اسماعیل مخزومی** را از امارت مدینه عزل کرد و **عمر بن عبدالعزیز** را به جای او گماشت

[۱۰۷] **ذهبی**، شمس‌الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و فیلت المشاهیر و الاعلام، ج ۶، ص ۲۹، تحقیق عمر عبدالسلام تلمیسی، بیروت، دار الکتب العربی، ط الثانية، ۱۴۱۳/۱۹۹۳.

و به عمر دستور داد که هشام را از کارهایش بازدارد، چون هشام روش بد در پیش گرفته، در احکام بیداد کرده و بر آل پیامبر ستم ورزیده بود، پس چون عمر به مدینه رسید، هشام به او گفت: جز از **علی بن حسین (علیه‌السلام)** بیم ندارم. در همین حال امام علی بن حسین (علیه‌السلام) بر او گذشت و سلام کرد. پس هشام به او گفت: الله اعلم حیث یجعل رسالاته،

[۱۰۸] **انعام/سوره ۶، آیه ۱۲۴.**

خدای بهتر داند، رسالت خویش را کجا قرار دهد. ولید از مردم مدینه سپاهی خواست و به عمر نوشت و او هم دو هزار مرد از آنان بیرون فرستاد.

[۱۰۹] **طبری**، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك، ج ۱۱، ص ۶۳۱-۶۳۲، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ق ۱۳۸۷.

همچنین بدو نامه نوشت که مسجد را توسعه دهد و خانه‌های **همسران پیامبر (علیه‌السلام)** را داخل آن نماید، سپس نماینده‌ای به سوی پادشاه روم به **قسطنطنیه** فرستاد تا کارگرانی که در کار ساختمان مهارت داشته باشند نزد وی گسیل دارد و او درخواست وی را اجابت کرد و کسانی را به سوی او فرستاد که منظور وی را درباره **مسجد** مزبور تکمیل کردند.

[۱۱۰] **ابن اثیر**، علی بن ابی‌الکریم، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۵۲۲-۵۲۳، بیروت، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵/۱۹۶۵.

همچنین ولید سی هزار **دینار** نزد **خالد بن عبدالله قسری** فرماندار مکه فرستاد و آن‌ها را بصورت تخته‌های نازک پهن درآوردند و بر در **کعبه** و ستون‌های داخلی و ارکان کعبه و نودان زدند و ولید نخستین کسی در اسلام بود که کعبه را زرتکار کرد.

[۱۱۱] **یعقوبی**، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۸۴-۲۸۵، بیروت، دار صادر، بی تا.

مسجد دمشق

ولید بن عبدالملک **مسجد بنی‌امیه** را در دمشق بنا کرد. گویند که او چهارصد صندوق که هر صندوق چهارصد هزار **دینار** بود صرف بنای آن نمود و از جمله کارگران دوازده هزار مرمر تراش بوده‌اند و گویند ششصد زنجیر طلا، جهت آویختن **قندیل** از سقف آن آویزان بود. تا جایی که دیدگان را خیره می‌ساخت. پس **عمر بن عبدالعزیز** آن‌ها را فرود آورد و به **بیت المال** بازگرداند.

[۱۱۲] **ابن خلدون**، عبد الرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۲۷۱، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر، ط الثانية، ۱۴۰۸/۱۹۸۸.

چون ولید بن عبدالملک آهنگ افزودن در بنای مسجد نمود فرمان داد تا کنیسه **نصارا** را خراب کنند. این کنیسه چسبیده به مسجد بود و **مار یوحنا** نام داشت و کنیسه را داخل در مسجد کردند. گویند که عبدالملک خواسته بود که کنیسه را به او واگذارند؛ ولی آنان نپذیرفتند. ولید بن عبدالملک چهل هزار **دینار** عوض داد باز هم امتناع کردند، این بود که آن را خراب کرد و چیزی هم به آنان نداد.

[۱۱۳] **بلانری**، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۱۲۸، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره، چپ اول، ۱۳۳۷ش.

فتح اندلس

در زمان خلافت عبدالملک بن مروان، موسی بن نصیر با کمک عبدالعزیز، برادر عبدالملک فرمانده سپاه فتوحات در **آفریقا** شد.

[۱۱۴] **ابن قتیبه دینوری**، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة المعروف بتاریخ الخلفاء، ج ۲، ص ۷۲، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ط الاولی، ۱۴۱۰.

[۱۱۵] **یعقوبی**، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۷۷، بیروت، دار صادر، بی تا.

وقتی که عبدالعزیز، موسی بن نصیر را حاکم گردانید **حسان بن نعمان** - نماینده عبدالملک - را بر کنار کرد. عبدالملک از موضوع آگاه و ناراحت شد و از رأی و نظر عبدالعزیز بیزاری جست و تصمیم گرفت تا موسی را برکنار کند، اما مصمم شد رأی عبدالعزیز را در مورد موسی باطل نگرداند.

[۱۱۶] **ابن قتیبه دینوری**، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة المعروف بتاریخ الخلفاء، ج ۲، ص ۷۶، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ط الاولی، ۱۴۱۰.

موسی خود را به آفریقا رسانده، سپس نیزه‌های خواست و به دست عبدالله پسرش داد و وی را فرمانده **جنگ** کرد. این جنگ به عنوان جنگ بزرگان و اشراف خوانده شد.

[۱۱۷] **ابن اثیر**، علی بن ابی‌الکریم، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۱۹۲، بیروت، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵/۱۹۶۵.

این اولین جنگی بود که در **دریای آفریقا** صورت گرفت.

[۱۷۱] **ابن قتیبه دینوری**، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة المعروف بتاريخ الخفاء، ج ۲، ص ۸۲، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ط الاولی، ۱۴۱۰. عبدالله در جنگ به منطقه **صقلیه** رسید و شهری را که در آن منطقه بود فتح کرد، از این روی همراهان عبدالله به مقدار زیادی **غنیمت** دست یافتند. مسلمانان همراه وی را از حدود ۹۰۰ تا هزار نفر گفته‌اند. پس از آن عبدالله برگشت.

[۱۷۸] **ابن قتیبه دینوری**، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة المعروف بتاريخ الخفاء، ج ۲، ص ۸۱، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ط الاولی، ۱۴۱۰.

بعد از مرگ عبدالملک و پس از بیعت مردم با ولید، ولید عده‌ای را برای گرفتن بیعت به سوی موسی فرستاد و موسی **بیعت** کرد، سپس ولید او را در مقامش نگاه داشت.

[۱۷۹] **ابن اثیر**، علی بن ابی‌الکریم، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۵۴۰، بیروت، دار صادر دار بیروت، ۱۳۸۵/۱۹۶۵.

طارق بن زیاد فرمانده موسی از **دریا گذشت** و وارد سرزمین **اندلس** شد و شهر **طلیطله** را فتح کرد و در آن جا سفره‌ای یافت که **اهل کتاب** گفتند از آن **سلیمان بن داوود** بوده و بعضی از پادشاهان **عرب**، به هنگام چیره شدن بر **بنی اسرائیل**، از **بیت‌المقدس** آن را بدان جا بردند و آن آمیزه‌ای بود از **طلا** و **نقره** با سه طوق از **مروارید** و **یاقوت** و **زبرجد**. موسی بن نصیر همراه با جنگجویان خود از **طلیطله** بیرون رفت، همه شهرها را یکی پس از دیگری فتح کرد تا این که اندلس نیز تحت فرمان وی در آمد.

[۱۸۰] **یعقوبی**، احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۸۵، بیروت، دار صادر، بی‌تا.

فتوحات در شرق

حجاج، **یزید بن مهلب** را از **خراسان** عزل کرده و **قتیبه بن مسلم باهلی** را که عامل او در ری بود، والی خراسان قرار داد.

[۱۸۱] **طبری**، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۶، ص ۳۹۴، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ق ۱۳۸۷.

قتیبه از **ری** رهسپار شد تا به **مرو** آمد،

[۱۸۲] **ابن کثیر**، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، ج ۹، ص ۶۱، بیروت، دار الفکر، ۱۹۸۶/۱۴۰۷.

سپس قتیبه رهسپار **بخارا** شد و آن را فتح کرد و چندین شهر آن را گشود.

[۱۸۳] **نرخشی**، ابوبکر محمد بن جعفر، تاریخ بخارا، ص ۶۷، ترجمه ابو نصر احمد بن محمد بن نصر القباوی، تلخیص محمد بن زفر بن عمر، تحقیق محمد تقی مدرس رضوی، تهران، توس، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

[۱۸۴] **طبری**، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۶، ص ۴۴۲، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ق ۱۳۸۷.

سپس حجاج لشکری به فرماندهی **محمد بن قاسم** پسر عموی خود، به سوی **ماوراءالنهر** فرستاد

[۱۸۵] **طبری**، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۶، ص ۴۴۲-۴۴۳، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ق ۱۳۸۷.

و او پیش رفت و به هیچ سرزمینی نرسید، مگر آن‌که بر آن غالب می‌شد و بر شهری عبور نمی‌کرد، مگر آن‌که آن را به **صلح** یا به زور می‌گرفت و از **رود سند** عبور کرد و به سوی **سهبان** رهسپار شد و آن را فتح کرد،

[۱۸۶] **بلانری**، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۶۱۲، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره، چاپ اول، ۱۳۳۷ش.

تا این‌که او به هند رسید و آنجا را فتح کرد

[۱۸۷] **طبری**، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۶، ص ۴۹۷، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ق ۱۳۸۷.

و محمد مزده فتح را به حجاج نوشت.

[۱۸۸] **یعقوبی**، احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۸۹، بیروت، دار صادر، بی‌تا.

مرگ حجاج

مرگ حجاج در سال ۹۵ در **سن** ۵۴ سالگی بود.

[۱۸۹] **طبری**، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۶، ص ۴۹۳، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ق ۱۳۸۷.

او بیست سال امیر **عراق** و **حجاز** بود و از بزرگان و اشراف صد و بیست هزار نفر را گرفت و در **حیس** خود کشت، به غیر از توده مردم و آن‌ها که در میدان‌های نبرد کشته شدند.

[۱۹۰] **ابن اثیر**، علی بن ابی‌الکریم، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۵۸۷، بیروت، دار صادر دار بیروت، ۱۳۸۵/۱۹۶۵.

در زندان او پنجاه هزار مرد و سی هزار زن مردند و پیش از مرگ او پسرش **محمد بن حجاج** و برادرش **محمد بن یوسف** در یک **شب** مردند.

[۱۹۱] **مقدسی**، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، ج ۶، ص ۴۲، بور سعید، مکتبه الثقافة الدینیة، بی‌تا.

اقدامات ولید

ولید بن عبدالملک به نزد مردم **شام** از همه خلیفگان بهتر بود.

[۱۹۲] **طبری**، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۶، ص ۴۹۶، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ق ۱۳۸۷.

نخستین کسی بود که **بیمارستان** برای بیماران، و مهمان‌خانه سلخت، و نخستین کسی بود که برای کوران و **بینوایان** و جنامیان مقرری خواروبار برقرار کرد،

[۱۹۳] **یعقوبی**، احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۹۰، بیروت، دار صادر، بی‌تا.

و نخستین کس بود که خوراک دادن در ماه **رمضان** را در مساجد مقرر داشت،

[۱۹۴] **بلانری**، احمد بن یحیی، کتاب جمل من انساب الاشراف، ج ۸، ص ۷۲-۷۳، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ط الاولی، ۱۴۱۷/۱۹۹.

و نخستین کس بود که اشخاص را فقط به واسطه گمان می‌گرفت و با آن دو، مردان را می‌کشت، و در **حکومت** او در سال ۹۴ زمین لرزه‌هایی اتفاق افتاد که هر چیز را ویران سلخت و چهل روز ادامه داشت.

[۱۹۵] **یعقوبی**، احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۹۱، بیروت، دار صادر، بی‌تا.

نخستین کس که بر **مسجد نبوی** افزود عمر بود، که از ستون‌هایی که امروز مقصوره‌اند، تا دیوار سمت **قیله** را بر آن افزوده، سپس **عثمان** سمت **قیله** را تا جای امروز (زمان مولف) گسترش داد، سپس ولید بر آن افزود، نه برای **خدا**، بلکه چون خانه حسن بن حسن بن علی در آنجا بود، و در آن به مسجد باز می‌شد و هنگام برگزاری **نماز** از آن بیرون می‌آمد. پس آن را با سنگ نقاشی شده بساخت، و عمر بن عبدالعزیز مأمور سلختمان بود.

مرگ ولید

- ولید میخواست برادر خود سلیمان را خلع کند و برای پسرش عبدالعزیز بیعت بگیرد.
- [۴۷] ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۱۳، بیروت، دار صادر دار بیروت، ۱۳۸۵/۱۹۶۵.
- سلیمان تن به خلع خود نمی‌داد. ولید به عمال خود نامه نوشت تا مردم را بدین امر دعوت کنند.
- [۴۸] ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۸۶، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر، ط الثانية، ۱۴۰۸/۱۹۸۸.
- جز حجاج و قتیبه و برخی از خواص او، هیچکس او را اجابت ننمود.
- [۴۹] ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۱۳، بیروت، دار صادر دار بیروت، ۱۳۸۵/۱۹۶۵.
- تا روزی سلیمان را نزد خود فرا خواند و سلیمان در آمن درنگ کرد. ولید تصمیم گرفت که نزد او رود و خلعتش کند؛ ولی قبل از رسیدن به آنجا، مرگ او را در بر گرفت.
- [۵۰] ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۸۶، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر، ط الثانية، ۱۴۰۸/۱۹۸۸.
- چون ولید مرد، در همان روز با سلیمان بن عبدالملک بیعت کردند و ابن امر در **رملة** واقع شد.
- [۵۱] ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، ج ۹، ص ۱۶۶، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷/۱۹۸۶.

پانویس

۱. ↑ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، ج ۹، ص ۱۶۱، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷/۱۹۸۶.
۲. ↑ مسعودی، ابو الحسن علی بن حسین، التنبيه و الاشراف، ص ۲۷۴، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، القاهرة، دار الصاوی، بی تا (افست قلموسسه نشر المنابع الثقافة الإسلامية).
۳. ↑ مسعودی، ابو الحسن علی بن حسین بن علی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۱۵۸، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹.
۴. ↑ مسعودی، ابو الحسن علی بن حسین، التنبيه و الاشراف، ص ۲۷۴، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، القاهرة، دار الصاوی، بی تا (افست قلموسسه نشر المنابع الثقافة الإسلامية).
۵. ↑ مسعودی، ابو الحسن علی بن حسین بن علی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۱۵۸، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹.
۶. ↑ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۹۱، بیروت، دار صادر، بی تا.
۷. ↑ بلاندری، احمد بن یحیی، کتاب جمل من انساب الاشراف، ج ۸، ص ۶۶، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ط الاولى، ۱۴۱۷/۱۹۹۹.
۸. ↑ ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۹۰، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر، ط الثانية، ۱۴۰۸/۱۹۸۸.
۹. ↑ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، ج ۸، ص ۳۱۰، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷/۱۹۸۶.
۱۰. ↑ دینوری، ابو حنیفه احمد بن داود، الاخبار الطوال، ص ۳۲۵-۳۲۶، تحقیق عبدالمنعم عمر مر جعة جمال الدین شیل، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ش.
۱۱. ↑ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۸۱، بیروت، دار صادر، بی تا.
۱۲. ↑ ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة المعروف بتاریخ الخلفاء، ج ۲، ص ۶۸، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ط الاولى، ۱۴۱۰.
۱۳. ↑ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۸۴، بیروت، دار صادر، بی تا.
۱۴. ↑ طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك، ج ۶، ص ۴۲۳، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ق ۱۳۸۷.
۱۵. ↑ ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة المعروف بتاریخ الخلفاء، ج ۲، ص ۶۸-۶۹، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ط الاولى، ۱۴۱۰.
۱۶. ↑ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وقیلت المشاهیر و الاعلام، ج ۶، ص ۲۹، تحقیق عمر عبدالسلام تمزی، بیروت، دار الکتب العربی، ط الثانية، ۱۴۱۳/۱۹۹۳.
۱۷. ↑ انعام/سور ۶، آیه ۱۲۴.
۱۸. ↑ طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك، ج ۱۱، ص ۶۳۱-۶۳۲، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ق ۱۳۸۷.
۱۹. ↑ ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۵۳۲-۵۳۳، بیروت، دار صادر دار بیروت، ۱۳۸۵/۱۹۶۵.
۲۰. ↑ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۸۴-۲۸۵، بیروت، دار صادر، بی تا.
۲۱. ↑ ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۲۷۱، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر، ط الثانية، ۱۴۰۸/۱۹۸۸.
۲۲. ↑ بلاندری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۱۲۸، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره، چاپ اول، ۱۳۳۷ش.
۲۳. ↑ ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة المعروف بتاریخ الخلفاء، ج ۲، ص ۷۲، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ط الاولى، ۱۴۱۰.
۲۴. ↑ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۷۷، بیروت، دار صادر، بی تا.
۲۵. ↑ ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة المعروف بتاریخ الخلفاء، ج ۲، ص ۷۶، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ط الاولى، ۱۴۱۰.
۲۶. ↑ ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۱۹۲، بیروت، دار صادر دار بیروت، ۱۳۸۵/۱۹۶۵.
۲۷. ↑ ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة المعروف بتاریخ الخلفاء، ج ۲، ص ۸۲، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ط الاولى، ۱۴۱۰.
۲۸. ↑ ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة المعروف بتاریخ الخلفاء، ج ۲، ص ۸۱، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ط الاولى، ۱۴۱۰.
۲۹. ↑ ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۵۴۰، بیروت، دار صادر دار بیروت، ۱۳۸۵/۱۹۶۵.
۳۰. ↑ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۸۵، بیروت، دار صادر، بی تا.
۳۱. ↑ طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك، ج ۶، ص ۳۹۴، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ق ۱۳۸۷.
۳۲. ↑ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، ج ۹، ص ۶۱، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷/۱۹۸۶.
۳۳. ↑ نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر، تاریخ بخارا، ص ۶۷، ترجمه ابو نصر احمد بن محمد بن نصر القباوی، تلخیص محمد بن زفر بن عمر، تحقیق محمد تقی مدرس رضوی، تهران، توس، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
۳۴. ↑ طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك، ج ۶، ص ۴۴۲، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ق ۱۳۸۷.

٣٥. ↑ طبري، ابو جعفر محمد بن جرير، تاريخ الامم و الملوك، ج٦، ص ٤٢٢-٤٢٣، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، بيروت، دار التراث، ط الثانية، ق١٣٨٧.
٣٦. ↑ بلاذري، احمد بن يحيى، فتوح البلدان، ص ٦١٢، ترجمه محمد توكل، تهران، نشر نقره، چاپ اول، ١٣٣٧ش.
٣٧. ↑ طبري، ابو جعفر محمد بن جرير، تاريخ الامم و الملوك، ج٦، ص ٤٩٧، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، بيروت، دار التراث، ط الثانية، ق١٣٨٧.
٣٨. ↑ يعقوبي، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، ج٢، ص ٢٨٩، بيروت، دار صادر، بي تا.
٣٩. ↑ طبري، ابو جعفر محمد بن جرير، تاريخ الامم و الملوك، ج٦، ص ٤٩٣، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، بيروت، دار التراث، ط الثانية، ق١٣٨٧.
٤٠. ↑ ابن اثير، على بن ابى الكرم، الكامل فى التاريخ، ج٤، ص ٥٨٧، بيروت، دار صادر دار بيروت، ١٣٨٥/١٩٦٥.
٤١. ↑ مقدسى، مطهر بن طاهر، البدء و التاريخ، ج٦، ص ٤٢، بور سعيد، مكتبة الثقافة الدينية، بي تا.
٤٢. ↑ طبري، ابو جعفر محمد بن جرير، تاريخ الامم و الملوك، ج٦، ص ٤٩٦، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، بيروت، دار التراث، ط الثانية، ق١٣٨٧.
٤٣. ↑ يعقوبي، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، ج٢، ص ٢٩٠، بيروت، دار صادر، بي تا.
٤٤. ↑ بلاذري، احمد بن يحيى، كتاب جمل من انساب الاشراف، ج٨، ص ٧٢-٧٣، تحقيق سهيل زكار و رياض زركلى، بيروت، دار الفكر، ط الاولى، ١٤١٧/١٩٩٩.
٤٥. ↑ يعقوبي، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، ج٢، ص ٢٩١، بيروت، دار صادر، بي تا.
٤٦. ↑ مقدسى، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسيم فى معرفة الاقاليم، ص ٨١، قاهره، مكتبة مديولى، الطبعة الثالثة، ١٤١١/١٩٩١.
٤٧. ↑ ابن اثير، على بن ابى الكرم، الكامل فى التاريخ، ج٥، ص ١٣، بيروت، دار صادر دار بيروت، ١٣٨٥/١٩٦٥.
٤٨. ↑ ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاريخ ابن خلدون، ج٣، ص ٨٦، تحقيق خليل شحادة، بيروت، دار الفكر، ط الثانية، ١٤٠٨/١٩٨٨.
٤٩. ↑ ابن اثير، على بن ابى الكرم، الكامل فى التاريخ، ج٥، ص ١٣، بيروت، دار صادر دار بيروت، ١٣٨٥/١٩٦٥.
٥٠. ↑ ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاريخ ابن خلدون، ج٣، ص ٨٦، تحقيق خليل شحادة، بيروت، دار الفكر، ط الثانية، ١٤٠٨/١٩٨٨.
٥١. ↑ ابن كثير، اسماعيل بن عمر، البداية و النهاية، ج٩، ص ١٦٦، بيروت، دار الفكر، ١٩٨٦/١٤٠٧.

منبع

سایت پژوهه، برگرفته از مقاله «ولید بن عبدالملک»، تاریخ بازیابی ١٣٩٥/٠٣/٣١.

رده‌های این صفحه: [بنی امیه](#) | [تاریخ خلفا](#) | [خلفای بنی امیه](#) | [فتوحات](#) | [مروانین](#) | [مسجد النبى](#) | [مقالات پژوهه](#)